

Iran's Diplomatic Challenges in Dealing with Saudi Arabia in Light of the General Policies



SafarAli Rezaei¹ , * Bashir Ismaili Gonharani² , Ismail Shafiei Sarvestani³ 

1. PhD Candidate of Political Science, Faculty of Humanities, Islamic Azad University Shahreza Branch, Shahreza, Iran
2. Assistant Professor, Department of Political Science, Faculty of Humanities, Islamic Azad University Shahreza Branch, Shahreza, Iran
3. Assistant Professor, Department of Political Science, Faculty of Humanities, Islamic Azad University Shahreza Branch, Shahreza, Iran



Citation: Rezaei, S.A., Ismaili Gonharani, B., & Shafiei Sarvestani, I. (2024). [Iran's Diplomatic Challenges in Dealing with Saudi Arabia in Light of the General Policies]. *Quarterly Journal of the Macro and Strategic Policies*, 12(1), 196-208. <https://doi.org/10.30507/jmsp.2023.369168.2501>

 <https://doi.org/10.30507/jmsp.2023.369168.2501>

 20.1001.1.23452544.1403.12.45.8.9



Funding: See Page 196

Received: 2022/11/09

Accepted: 2023/02/20

Available Online: 2024/03/20

Article Type: Research paper

Keywords:

Challenges of diplomacy, Iran, Saudi Arabia, general policies.

Abstract

This study employs a realist framework to examine diplomacy within the context of policy-making and public policy, focusing on the threats and conflicts characterizing the relationship between the Islamic Republic of Iran and Saudi Arabia from 2011 to 2020. This analysis is guided by Iran's General policy frameworks and aims to be practically applied, using a descriptive research method and relying on data gathered through a library-based approach. The study addresses the following central question: "What are the domains of competition in regional diplomacy between the Islamic Republic of Iran and Saudi Arabia post-Islamic Revolution?" The research posits that regional conflicts between the Islamic Republic of Iran and Saudi Arabia encompass political, religious, and ideological arenas, each subdivided into smaller areas. Regional dynamics have aggravated the crisis in their bilateral relations. Owing to the diplomatic and regional rivalry between Iran and Saudi Arabia, these evolving dynamics have intensified bilateral tensions and increased divergence.

* Corresponding Author:

Bashir Ismaili Gonharani, PhD

Address: Islamic Azad University Shahreza Branch, Shahreza


Tel: +98(994)4320214

Email: bashirmsaeili1400@gmail.com

چالش‌های دیپلماسی ایران در مواجهه با عربستان سعودی با نگاه به سیاست‌های کلی نظام

صفرعلی رضایی^۱، * بشیر اسماعیلی گنهرانی^۲، اسماعیل شفیعی سروستانی^۳

۱. دانشجوی دکتری، رشته علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شهرضا، ایران
۲. استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شهرضا، ایران
۳. استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شهرضا، ایران

 20.1001.1.23452544.1403.12.45.8.9

چیکید

تاریخ دریافت: ۱۸ آبان ۱۴۰۱
تاریخ پذیرش: ۱ اسفند ۱۴۰۱
تاریخ انتشار: ۱ فروردین ۱۴۰۳

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

در این تحقیق، با نگاهی به دیپلماسی در سیاست‌گذاری و سیاست‌های عمومی و با اتخاذ رویکردی واقع‌گرایانه، به بررسی تهدیدها و کشمکش‌های روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی (در سال‌های ۱۱۰۲ - ۲۰۲۲ م)، با نگاه به سیاست‌های کلی نظام، پرداخته می‌شود. این تحقیق از نظر هدف، کاربردی است و به لحاظ روش نیز، در شمار پژوهش‌های توصیفی است. اطلاعات و داده‌ها به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده است. پرسش پژوهش عبارت است از: «حوزه‌های رقابت در دیپلماسی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی پس از انقلاب اسلامی کدام‌اند؟» فرضیه تحقیق نیز به این شرح است: کشمکش‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی شامل حوزه سیاسی، مذهبی و ایدئولوژی می‌شود که هرکدام نیز به بخش‌های کوچک‌تری تقسیم می‌شود. تحولات منطقه سبب بروز بحران در روابط دو کشور شده است. به دلیل رقابت‌های دیپلماسی و منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی، تحولات یادشده تنش و واگرایی را در روابط دو کشور ایجاد کرده است.

کلیدواژه‌ها:

چالش‌های دیپلماسی،
ایران، عربستان
سعودی، سیاست‌های
کلی نظام.

* نویسنده مسئول:

دکتر بشیر اسماعیلی گنهرانی

نشانی: شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا

تلفن: ۰۹۸(۹۹۴)۴۳۲۰۲۱۴

پست الکترونیک: bashirmsaeili1400@gmail.com

۱. مقدمه^۱

با پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ که به سقوط نظام شاهنشاهی طرفدار آمریکا و جایگزینی حکومت اسلامی در منطقه خاورمیانه انجامید، در ابتدا تصور بسیاری از سیاستمداران این بود که جمهوری اسلامی ایران با اتخاذ سیاست خارجی رادیکال درصدد است انقلاب خود را به همه نقاط جهان صادر کند. این دیدگاه برای نفوذ و قدرت فزاینده عربستان سعودی در خاورمیانه تهدیدآمیز به نظر می‌رسید. به همین دلیل انقلاب اسلامی ضربه سنگینی برای اقتدار و رهبری عربستان سعودی در منطقه به شمار می‌آمد. پس از ظهور اختلافات سیاسی و تنش‌ها، انقلابیون ایران به صراحت اعلام کرده بودند که دین مبین اسلام با پادشاهی موروثی در کشور عربستان سعودی تناسب ندارد؛ حال آنکه از نظر عربستان سعودی، اتخاذ سیاست صدور انقلاب اسلامی ایران به منظور نفوذ و گسترش آموزه‌های دینی و اسلامی و کسب قدرت سیاسی و نفوذ منطقه‌ای در خاورمیانه بزرگ‌تر از وزن و جایگاه منطقه‌ای ایران بود. به این ترتیب، یکی از مهم‌ترین تأثیرات انقلاب اسلامی بر روابط دو کشور، بی‌اعتمادی فزاینده بین دو دولت بود که به روابط دیپلماتیک همکاری جویانه پایان داد و رقابت شدیدی را بر سر کسب نفوذ و هژمونی منطقه‌ای بین دو کشور به وجود آورد (شفیعی، قنبری و کیانی، ۱۳۹۷). چشم‌انداز ژئوپلیتیک خلیج فارس و تأثیر آن بر روابط ایران و عربستان را می‌توان به چهار دوره تقسیم کرد: ۱. قبل از شکل‌گیری انقلاب اسلامی؛ ۲. بعد از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی تا پایان جنگ تحمیلی؛ ۳. از پایان جنگ تحمیلی تا ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱؛ ۴. از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تاکنون. در این چهار دوره که از ویژگی‌ها و شرایط جهانی، منطقه‌ای و عوامل درونی هر دو کشور اثر پذیرفته است، روابط هر دو کشور گاهی از دیپلماسی مسالمت‌آمیز به سمت روابط دیپلماتیک خصومت‌جویانه در سال ۱۳۶۶ تغییر کرده و پس از آن در دوره‌هایی، مثل زمان فروپاشی طالبان و سقوط صدام حسین و حزب بعث در عراق، روابط مسالمت‌آمیز گسترش‌یابنده و همکاری و هم‌گرایی منطقه‌ای بین ایران و عربستان حاکم بوده است (حافظ‌نیا و رومینا، ۱۳۸۳، ص ۱). روابط ایران و عربستان سعودی در پی چند رویداد پُرتنش به تیرگی بیش‌ازاندازه رسید. ریاض در اقدامی پیش‌بینی‌شده، روابط دیپلماتیک، اقتصادی و توریستی خود را با جمهوری اسلامی ایران قطع کرد. روابط دو کشور اسلامی، طی چند دهه اخیر، به استثنای دو دوره کوتاه (در دهه هفتاد شمسی) دستخوش بحران بوده است. میادین ظهور این بحران‌ها کشورهای لبنان، عراق، بحرین و سوریه بوده است؛ اما دو بحران سوریه و عراق و نیز موضوع تروریسم در چند سال اخیر روابط دو کشور را بیش از پیش تیره کرده است. بسیاری از رهبران کشورهای جهان و کارشناسان سیاسی معتقدند تیرگی روابط عربستان سعودی و ایران می‌تواند فضای بحران‌زده خاورمیانه را شدت بخشد و پیامدهای مخاطره‌آمیزی برای آینده صلح و امنیت منطقه و جهان داشته باشد. حتی کشورهایی نظیر ایالات متحده آمریکا که با یکی از دو طرف (ایران)، روابط حسنه ندارد، از

۱. مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده است.

بروز تنش در روابط ریاض و تهران ابراز نگرانی کرده و برای میانجیگری میان دو کشور و جلوگیری از گسترش بحران روابط به دیگر حوزه‌های نفوذ غرب در منطقه، اعلام آمادگی کرده است.

۲. پیشینه تحقیق

عطایی و منصورى مقدم (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای با موضوع «تبارشناسی سیاست خارجی عربستان سعودی» دریافتند حکومت عربستان سعودی یکی از مصادیق حاکمیتی است که به‌رغم قوی بودن بسترهای حکومتی آن کشور، به‌ویژه دین اسلام و آیین وهابیت که زمینه تشکیل و تداوم حکومت آن کشور را فراهم کرده و مهم‌ترین منبع مشروعیت نظام سیاسی این کشور است، در سیاست خارجی خود به‌شدت واقع‌گرایانه و امنیتی رفتار می‌کند؛ به این ترتیب که سیاست‌های خارجی آن به‌گونه‌ای است که جریانات و تحولاتی که در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی اتفاق می‌افتد، به‌شدت بر امنیت آن کشور اثر می‌گذارد.

عزتی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «فرازوفرودهای روابط عربستان و آمریکا در سال‌های اخیر» نوشته است که در اذهان ایرانی‌ها آل‌سعود همیشه عنصری وابسته به آمریکا به حساب می‌آید. هرچند این تصور از واقعیت فاصله زیادی ندارد، روابط این دو کشور عاری از اختلافات جدی و تهدیدهای اساسی نیست. اگرچه شکاف‌های موجود بین این دو کشور از دید افکار عمومی ما پنهان است، به نظر می‌آید این اختلافات مسائلی جدی در روابط دوجانبه ایجاد کرده است. نویسنده مقاله با مرور تاریخچه روابط این دو کشور به بررسی وضعیت فعلی این روابط پرداخته و به برخی از موضوعات اختلاف بین عربستان و آمریکا، مانند حادثه ۱۱ سپتامبر، الگوسازی و جایگزینی نفت و تغییر نظام‌ها در جهان عرب، اشاره کرده است.

گلشنی، خلیلی و نصیری (۱۳۹۸) در مطالعه خود اشاره کرده‌اند که رقابت ایران و عربستان زمینه گسترده‌ای را در بر می‌گیرد: رقابت در خلیج فارس، خاورمیانه، جهان اسلام و عرصه بین‌الملل. این دو کشور خود را رقبایی جدی برای نفوذ در خاورمیانه، به‌خصوص در منطقه خلیج فارس، از زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ م و جنگ ایران و عراق در سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸ م دیده‌اند. در بهترین وضعیت، همکاری دو کشور تقریباً با سوءظن همراه بوده است. به علاوه، در سال ۲۰۱۱ م، به‌دلیل بروز اختلافات شدید در مورد موج ناآرامی موسوم به بهار عربی و مداخله نظامی به رهبری عربستان در بحرین به منظور حمایت از پادشاهی این کشور و حمایت ایران از شیعیان این کشور و همچنین حمایت ایران از بشار اسد در سوریه، رابطه عربستان و ایران سمت‌وسوی شگفت‌انگیزی به خود گرفت. رقابت این دو کشور اغلب تحت تأثیر اختلافات ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک بسیار تشدید می‌شود و در هنگام آشوب‌ها و ناآرامی‌های منطقه‌ای، دشمنی‌های آن‌ها افزایش می‌یابد.

۳. چارچوب نظری

واقع‌گرایی نظریه‌ای عمومی و کلان در سطح سیاست‌های بین‌المللی است که پدیده‌ها و سیاست‌های کلی بین‌المللی را براساس خصوصیات ثابت انسان و جوامع بشری تبیین می‌کند (رضوی، ۱۳۸۳، ص. ۱۲۲). واقع‌گرایی برای تشریح و توجیه روابط بین‌المللی و تحلیل سیاست‌های خارجی بر اصول و مفاهیم عمیق و استواری همچون قدرت‌محوری، تلاش برای بقا و عقلانیت تأکید می‌کند. واقع‌گرایان قدرت را به‌منزله مفاهیم اساسی در روابط بین‌المللی قلمداد می‌کنند که نقشی همانند انرژی در فیزیک دارد. در این مکتب، سیاست بین‌الملل، مانند انواع دیگر سیاست، مبارزه و کشمکش بر سر قدرت است و قدرت حرف آخر را می‌زند. مهم‌ترین انگیزه و هدف کشورها در روابط بین‌الملل و سیاست خارجی کسب حداکثر قدرت و نفوذ، و بسط خارجی آن است. قدرت‌طلبی کشورها امری طبیعی است که از سرشت انسان سرچشمه می‌گیرد و در نظام بین‌الملل غیرمتمرکز برای حفظ بقا تشدید و تقویت می‌شود. بنابراین قدرت، هم هدف است و هم وسیله برای ادامه حیات (همان، ص. ۱۲۸). براساس رویکرد واقع‌گرایی، بازیگری که عاقلانه عمل می‌کند، دولتی است که می‌کوشد منافع ملی‌اش را به حداکثر برساند؛ زیرا در نظام بین‌الملل غیرمتمرکز، غیرمتشکل و پُر از هرج‌ومرج و تعارض که از کشورهای مشابه و منفعت‌طلب تشکیل شده، تعهد و وظیفه اصلی حکومت و سیاست‌مردان تأمین منافع جامعه ملی و دولتی است که نماینده آن به شمار می‌آید. بنابراین رفتار کشورها براساس منافع ملی تبیین و تعیین می‌شود (Mars, 2013, p. 21).

زمینه اصلی طرح نظریه واقع‌گرایی بعد از جنگ دوم جهانی آغاز شد. واقع‌گرایی نوین واکنشی دسته‌جمعی به آرمان‌گرایی بوده است. واقع‌گرایان اعتقادی به انقلاب در سیاست بین‌الملل ندارند؛ زیرا بر این باورند که اگر بازیگران جدیدی وارد صحنه شوند، پس از مدتی مشخصات بازیگران قبلی را پیدا می‌کنند و درصدد تأمین امنیت و منافع خود برمی‌آیند. مفهوم دیگر مورد نظر واقع‌گرایان «آشوب‌زدگی» است؛ به این معناست که در نظام بین‌الملل، هیچ حکومت مرکزی و کنترل مطلق وجود ندارد و دلیل تمایز عرصه داخلی از عرصه بین‌المللی همین نبود اقتدار در سطح جهانی است. در واقع محیط یا نظام دولتی که دولت‌ها در آن زندگی می‌کنند، اساساً آنارشیک است و آنارشیک بودن نظام دولتی در برداشت هابز در زمینه برقرار بودن وضعیت طبیعی در روابط بین‌الملل ریشه دارد. از نظر آن‌ها، تعارض و رقابت رابطه‌ای است که در نظام بین‌الملل حرف اول را می‌زند (دئورتی و فالتزگراف، ۱۳۸۳، ص. ۲۴۲).

۴. روش تحقیق

این تحقیق از نظر هدف، کاربردی است و به لحاظ روش، در شمار پژوهش‌های توصیفی است. اطلاعات و داده‌ها به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده است. منابع کتابخانه‌ای شامل کتاب‌ها

(فارسی و انگلیسی)، مجلات (فارسی و انگلیسی)، اسناد و گزارش‌های معتبر از وزارت امور خارجه و نهاد ریاست جمهوری و منابع اینترنتی بودند. برای ارزیابی نتایج از منابع کتابخانه‌ای، روزنامه‌ها و آرشیو برنامه‌گزارش هفتگی صداوسیما و خبرنامه‌های وزارت امور خارجه و نهاد ریاست جمهوری استفاده شده است.

۵. یافته‌های تحقیق

۱-۵. سیاست خارجی ایران در قبل و بعد از انقلاب اسلامی

دیپلماسی و سیاست خارجی و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران در طول حیاتش فرازونشیب‌های زیادی داشته است. به‌طور کلی می‌توان آن را به دو بازه زمانی قبل از انقلاب اسلامی (استقرار حکومت پهلوی و حکومت‌های قبل از آن) و دوره بعد از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ / ۱۹۷۹ م تقسیم کرد. سیاست خارجی ایران پس از انقلاب، عمدتاً براساس ارزش‌گذاری‌های اسلامی شکل گرفت و برپایه رهنمودهای اسلامی تغییر ماهیت داد. بعد از انقلاب، لحن تهران در اولین سال‌های پس از انقلاب و زمان وقوع جنگ تحمیلی تندتر شد و تنها ماندن ایران در مقابل عراق، باعث دور شدن اکثر متحدان قبلی گردید (Fuller, 1992, p. 12).

۱-۱-۵. قبل از انقلاب اسلامی

تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ایران رویکرد امنیتی‌اش در منطقه را در ائتلاف با غرب و به‌ویژه ایالات متحده آمریکا تعریف کرده بود و به همراه عربستان سعودی، در چارچوب استراتژی امنیتی دوستانه مورد حمایت غرب، نقش آفرینی می‌کرد.

۲-۱-۵. بعد از انقلاب اسلامی

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بعد از پیروزی انقلاب در برابر عربستان مبتنی بر رقابت بوده است؛ کما اینکه در دوره‌های مختلف، همواره این دو کشور در مناطق مختلف خاورمیانه به رقابت و رویارویی با یکدیگر پرداخته‌اند.

۲-۲-۵. تضاد در اهداف کلان سیاست خارجی ایران و عربستان

عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران اهداف متفاوتی را در سیاست خارجی خود دنبال می‌کنند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

۱-۲-۵. اهداف کلان عربستان سعودی

عربستان سعودی با توجه به مبانی اعتقادی خود اهداف کلانش را در سه دسته تقسیم کرده است:

- رشد و توسعه اقتصاد، حفظ حاکمیت ملی و تمامیت ارضی؛
- تقویت و استحکام بخشی به روابط عربی اسلامی با محوریت عربستان؛
- همکاری با قدرتهای بین المللی و منطقه‌ای (کرمی، ۱۳۹۲، ص. ۴۱).

۵-۲. اهداف کلان جمهوری اسلامی ایران

مهم‌ترین موضوعات در برنامه‌های کلان سیاسی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران از این قرار است: تمامیت ارضی و حفظ استقلال همه‌جانبه کشور؛ دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر؛ روابط صلح‌آمیز متقابل با دولت غیرمتحارب (ثابت‌سعیدی، ۱۳۸۴، ص. ۱۶۰). افزون بر این‌ها، ملاک‌های دیگری نیز در راستای همین اهداف و مبانی وجود دارد که به دیدگاه و اندیشه نخبگان فعال در عرصه سیاست خارجی سمت‌وسو می‌دهد. با توجه به قانون اساسی و عملکرد ایران، اهداف کلان آن را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

- حفظ تمامیت ارضی، رشد حاکمیت ملی و توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در همه ابعاد حاکمیتی؛

- دفاع از مسلمانان و نهضت‌های آزادی‌بخش، صدور انقلاب و تعارض با رژیم غاصب صهیونیستی اسرائیل و هم‌پیمانان غربی آن؛

- پایه‌گذاری و استقرار حکومت اسلامی براساس مبانی شیعی (سریع‌القلم، ۱۳۷۹، ص. ۱۲۱).

۵-۳. علل ایجاد و تداوم رقابت منطقه‌ای در روابط عربستان و جمهوری اسلامی ایران

۵-۳-۱. اختلاف دیدگاه‌ها درباره تحولات و مسائل خاورمیانه

در تبیین شرایط کنونی رقابت منطقه‌ای ایران و عربستان می‌توان وضعیت موجود را در چند کانون بحران در منطقه بررسی کرد که نماد و محل بروز اختلافات بین ایران و عربستان است:

اختلاف نظر درباره مسئله فلسطین: ایران خواهان حفظ محور مقاومت تا آزادی کامل فلسطین، و عربستان به دنبال ایجاد صلح بین اعراب و اسرائیل است.

اختلاف نظر درباره حزب الله لبنان: ایران حزب الله را نیرویی مؤثر در برابر زیاده‌خواهی اسرائیل می‌داند و همواره بر تقویت آن تأکید دارد؛ حال آنکه عربستان سعودی، حزب الله را از ارکان اساسی در گسترش ناآرامی در منطقه و روند صلح اعراب و اسرائیل می‌شمارد.

اختلاف دیدگاه درباره اهداف و نتایج سیاست هسته‌ای ایران: عربستان همواره سعی کرده

است برنامه هسته‌ای ایران را برنامه‌ای نظامی معرفی نماید و از آن به‌عنوان نیروی محرک رقابت هسته‌ای در خاورمیانه یاد کند. این تلاش عربستان به واسطه پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران و پیامدهای استراتژیک آن برای توازن قدرت منطقه‌ای با تحولات سال‌های اخیر در محیط پیرامونی، «مانند سقوط حکومت دیکتاتوری صدام و حزب بعث عراق به‌عنوان نیروی متوازن‌کننده ایران، قدرت گرفتن حزب‌الله در لبنان و تقویت روابط حماس با ایران» تشدید شده است (شجاع، ۱۳۸۶). به‌طور کلی موضع‌گیری‌های سیاسی عربستان سعودی در قبال برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران کاملاً منفی‌گرایانه و احتیاط‌آمیز بوده است و اغلب با مطرح کردن مسائل زیست‌محیطی، نگرانی‌هایش را در این خصوص ابراز کرده و گاهی نیز برای رقابت و مقابله با ایران، به طراحی برنامه‌های هسته‌ای روی آورده است. در مقابل این دیدگاه عربستان، مقامات ایرانی معتقدند موضوعات زیست‌محیطی علت نگرانی‌های عربستان سعودی نیست، بلکه دلیل آن افزایش قدرت شیعیان در منطقه خاورمیانه حول محور ایران است. عربستان برای مقابله با این موضوع، برنامه‌های زیادی را در خصوص ایران‌هراسی، صلح‌آمیز نبودن برنامه هسته‌ای ایران، مسئله حقوق بشر و... طراحی کرده که نمونه عینی آن شبکه فارسی‌زبان ایران‌اینترنشنال است که ۲۴ ساعته برنامه‌هایی را درباره ایران‌هراسی و جلوگیری از قدرت‌یابی جمهوری اسلامی ایران در منطقه پخش می‌کند (همان).

رقابت در عراق نوین: ایران تلاش می‌کند با گسترش نفوذ خود در عراق عملاً راه را برای ایجاد حکومت شیعی در عراق فعال سازد؛ حال آنکه عربستان سعودی حکومت شیعی در عراق را بر نمی‌تابد.

رقابت در بحران سوریه: ایران خواهان حفظ بشار اسد از ابتدای بحران در سوریه بوده و بدین منظور تمام تلاش‌هایش حول محور حذف همه عوامل ناامنی و بقای خاندان اسد شکل گرفته است. در این روند حتی به سوریه کمک‌های نظامی و لجستیکی کرده است؛ حال آنکه عربستان سعودی خواهان حذف بشار اسد است و از گروه‌های تکفیری و سنی مخالف او حمایت می‌کند.

رقابت در بحران افغانستان تا پیش از خروج آمریکا از این کشور: عربستان سعودی برای شکل‌گیری و ایجاد حکومت طالبان، هزینه‌های زیادی را متحمل شد و سقوط این حکومت ضربه بزرگی به ریاض زد (همان، ص. ۴۲). عربستان به دو دلیل از طالبان حمایت می‌کرد: طالبان را به‌عنوان حکومتی اسلامی پذیرفته بود؛ با حمایت از طالبان می‌خواست نفوذ جمهوری اسلامی را در منطقه و آسیای مرکزی محدود کند. پس از سقوط طالبان، بین ایران و عربستان برای پر کردن خلأ قدرت درگیری‌هایی شکل گرفت و عربستان از القاعده حمایت کرد که سبب بروز ناامنی در شرق کشور و شهادت تعداد زیادی از نیروهای نظامی و انتظامی شد.

رقابت در صحنه یمن: ایران مدعی است عربستان به‌دلایل متعددی شیعیان یمن را سرکوب می‌کند؛ از جمله:

- از نفوذ شیعیان جلوگیری کند. گفتنی است جمعیت زیادی از شیعیان در این کشور، در مناطق نفت‌خیز، زندگی می‌کنند. همچنین مجاورت عربستان با کشور یمن از عوامل تقویت‌کننده احتمال مداخله عربستان در امور داخلی یمن به شمار می‌رود (ماه‌پیشانیان، ۱۳۹۲، ص. ۲۴):

- مانع قدرت گرفتن ایران در منطقه شود. ایران، به‌عنوان کشوری شیعی، حوزه نفوذش در بین کشورهای منطقه گسترده است؛

- افزایش توان گروه‌های سلفی در یمن (زعفرانی، ۱۳۹۲).

از آنجا که عربستان سعودی یکی از بزرگ‌ترین کانون‌های مدارس دینی اهل سنت و وهابیت در منطقه و جهان است، خدمات آموزشی رایگانی را همراه با کمک‌های آموزشی و مادی به طلاب علوم دینی اهل سنت در شرق کشور عرضه می‌کند. تأثیر این تبلیغات سازمان‌یافته و هدف‌دار، دست‌کم از دو جنبه، برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تهدیدزا بوده است: ۱. تخفیف و کاهش هویت‌ها و تابعیت‌های ملی به نفع هویت‌های مذهبی، نخستین تهدید ناشی از گسترش تفکر وهابیت‌گری به‌ویژه در شرق و جنوب شرقی ایران و به‌خصوص در گستره سیستان و بلوچستان ایران بوده است. ترویج این تفکر و تلاش برای تکوین شکل‌های متعدد مذهبی، علاوه بر تقویت انرژی واگرایی این مناطق نسبت به هسته مرکزی حکومت ایران، موجب افزایش هم‌گرایی‌های اهل سنت ساحل جنوب و بلوچ‌های حنفی شرق و جنوب شرقی ایران شده است (کلرنگی، ۱۳۹۳، صص. ۶۲-۹۷): ۲. ورود روحانیون سلفی به ایران، به‌ویژه استان‌های سیستان و بلوچستان و خوزستان که اغلب آن‌ها نزدیک به فرهنگ مذهبی عربستان هستند و عمدتاً از مدارس دینی هند و پاکستان جهت ترویج افکار بنیادگرایانه اعزام شده‌اند، و نیز گسترش اندیشه‌های وهابی که با دید مغرضانه و سیاسی، مذهب شیعه را در تضاد با عقاید خود می‌داند، از تهدیدات بالقوه دیگر در منطقه شرقی ایران است (کشاورز، ۱۳۹۲، ص. ۴۵). مجموعه این تهدیدات و برنامه‌ریزی‌ها از سوی عربستان سعودی در بسیاری از مواقع هزینه‌های هنگفتی را بر کشور تحمیل کرده و ناامنی‌هایی را در مناطق شرقی و به‌خصوص سیستان و خوزستان به وجود آورده است که نمونه عینی آن را در اغتشاشات سیستان و خوزستان در مهر و آبان ۱۴۰۱ شاهد بوده‌ایم. از سوی دیگر بسیاری از رهبران سنی مذهب در خارج از کشور و در کشورهای عربستان، پاکستان و هند تحصیل می‌کنند یا از اندیشه‌های حاکم بر فضای حوزه‌های علمی آن‌ها اثر می‌پذیرند. بازگشت این مولوی‌ها با توجه به اندوخته‌های علمی در کشوری که تحصیل کرده‌اند و نیز علمای مدعو پاکستانی برای آموزش علوم دینی در بلوچستان ایران، مناسب‌ترین پوشش برای فعالیت وهابیان است. اثر این تبلیغ سازمان‌یافته برای امنیت ملی ایران خطرآفرین است و علاوه بر تقویت انرژی واگرایی این مناطق نسبت به هسته مرکزی حاکمیتی ایران، موجب افزایش هم‌گرایی‌های اهل سنت ساحل جنوب و بلوچ‌های حنفی شرقی و جنوب شرقی ایران شده است.

۶. نتیجه

کشورهای ایران و عربستان سعودی با اینکه همواره جایگاهی ویژه در جهان اسلام دارند، روابط سیاسی‌شان در دوره‌های مختلف تنش‌آمیز بوده و تحولات منطقه‌ای، همچون نا آرامی‌های بحرین، عراق و لبنان و جنگ یمن، سوریه و افغانستان، نیز بر پیچیدگی روابط این دو کشور افزوده است. علت اساسی این تنش‌ها و درگیری‌ها در طی چند دهه اخیر را می‌توان تشکیل هلال شیعی (نیروهای محور مقاومت اسلامی در کشورهای مختلف) و افزایش نفوذ و قدرت طبیعی جمهوری اسلامی ایران در منطقه و تلاش‌های عربستان برای جلوگیری از این نفوذ در منطقه دید. بنابراین یکی از مؤلفه‌های بازدارنده و منفی تأثیرگذار در روابط تهران و ریاض را باید در رقابت دینی و مذهبی دو کشور جست‌وجو کرد. بررسی روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی بیانگر این است که دو کشور تقریباً از دهه ۱۹۵۰ م به این سو، همواره به یکدیگر به چشم رقیب می‌نگریسته‌اند. رقابت دو کشور در خلیج فارس، جنوب غرب آسیا، جهان عرب و جهان اسلام و حتی در صحنه بین‌الملل، توانایی اندک آن‌ها را در بسط دادن همکاری‌ها، جز در اهداف عامی که تمام کشورهای جهان در آن‌ها اشتراک نظر دارند، نشان می‌دهد. دو کشور عمدتاً در صحنه‌های سیاسی و دیپلماتیک به صورت دو رقیب در دو جبهه مقابل هم قرار می‌گیرند.

یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که تحولات منطقه سبب بروز بحران در روابط دو کشور شده و به دلیل رقابت‌های منطقه‌ای عربستان سعودی با جمهوری اسلامی ایران، تحولات یادشده موجبات تنش و واگرایی در روابط این کشورها شده است.

۷. پیشنهادها

پیشنهاد می‌شود ایران و عربستان، به دلیل نقش و اهمیت‌شان در منطقه، باید باب مذاکره و دیپلماسی را بگشایند و در جهت حل تنش‌ها و تعارض‌ها قدم بردارند. همچنین با توجه به تحولات منطقه و نیاز دو کشور به یکدیگر در بخش‌های مختلف به خصوص در سفر معنوی حج و داشتن اشتراکات دینی، درصدد برآیند روابط تقابلی را به روابط تعاملی تبدیل کنند و از هرگونه اقدامی که به تشدید تنش و ارائه تصویر نامطلوب از یکدیگر بینجامد، پرهیز کنند. از آنجا که منشأ تنش و درگیری بین ایران و عربستان ایدئولوژیکی و ژئوپلیتیکی است، دو کشور به مواجهه مستقیم نظامی تن در نمی‌دهند؛ با این حال، به دلیل بروز تحولات متعدد، منطقه را به دو بلوک سیاسی - اعتقادی تقسیم کرده و از آن به عنوان ابزاری در جهت صف‌بندی منطقه‌ای، ترویج فرقه‌گرایی و بهره‌برداری از دولت‌ها و گروه‌های سیاسی و نظامی منطقه از طریق جنگ نیابتی برای تقویت و قدرت نفوذ خود استفاده می‌کنند. با توجه به این مسائل پیشنهاد می‌شود دو طرف در جهت حل اختلافات خود وارد عمل شوند و از بسیاری از هزینه‌های سیاسی و امنیتی که ممکن است در منطقه به وجود آید، پیشگیری کنند.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی

این مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان

تمام نویسندگان در آماده‌سازی این مقاله مشارکت کرده‌اند.

تعارض منافع

بنابه اظهار نویسندگان، در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت

طبق تعهد نویسندگان، حق کپی‌رایت (CC) رعایت شده است.

References

- Atai, F., & Mansouri Moghadam, M. (2012). Genealogy of Saudi Arabia's foreign policy: A realistic strategy based on identity. *Foreign Relations Quarterly*, 5(1), 28-15. (in Persian)
- Deorty, J., & Faltzgraf, R. (2004). *Conflicting Theories in International Relations* (Translated from English to Persian by A. R. Tayyeb and V. Magorhi). Tehran: Qom. (in Persian)
- Ezzati, A. (2016). The ups and downs of Saudi-American relations in recent years. *Foreign Policy*, 12(4), 64-87. (in Persian)
- Fuller, G. E. (1992). *The Center of the Universe: The Geopolitics of Iran*. Orbis
- Goleshni, M., Khalili, R., & Nasri, Q. (2018). Iran and Saudi Arabia, the Competition for Influence in the Middle East. *Quarterly Journal of Fundamental and Applied Studies of the Islamic World*, 17, 41-59. (in Persian)
- Gulrangi, S. (2013). *The causes of convergence and divergence of Qatar and Saudi Arabia in the field of Islamic fundamentalism (from 2010 to 2016)*. Political Science Master's Thesis, Shiraz Azad University. (in Persian)
- Hafez Nia, M. R., & Romina, E. (2013). The evolution of relations between Iran and Saudi Arabia and its impact on the geopolitics of the Persian Gulf. *Geographical Research Quarterly*, 20(2), 66-82. (in Persian)
- Jafari Veldani, A. (2007). *Challenges and Conflicts of the Middle East*. Tehran: Strategic Studies Research Institute. (in Persian)
- Kardan, A. (2012). Explanation of the Yemeni civil war, Saudi intervention and media dimensions. *Today's Politics Magazine*, 119-120. (in Persian)
- Karmi, K. (2012). The Basics and Objectives of Saudi Arabia's Foreign Policy. *International Studies Quarterly*, 16, 18-24. (in Persian)
- Keshavarz, H. (2012). *The influence of regional Salafism on the national security of the Islamic Republic of Iran*. Master's Thesis in International Relations. Islamic Azad University, Karaj Branch. (in Persian)
- Mah Pishanian, M. (2008). The Shadow of Anti-Shia and Iranophobia over the War in Yemen. *Pegah Hozha*, 272, 113-114. (in Persian)
- Mars, M. (2013). *Issues of Engagement and the Course of Futures U.S. Saudi Relations Post September 11*. Center for Saudi Studies.
- Razavi, A. (2004). *Realism in International Relations*. Tehran: Alborz. (in Persian)

- Sareeul Qalam, M. (1999). *Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran*. Tehran: Strategy Center. (in Persian)
- Shafie, N., Ghanbari, F., & Kayani, A. (2015). Culture and its role in public diplomacy. *Intercultural Studies Quarterly*, 29(11), 167-187. (in Persian)
- Shuja, M. (2007). Regional Competitions of Iran and Saudi Arabia and the Balance of Forces in the Middle East. *Economic Political Information Quarterly*, 239-240, 40-53. (in Persian)
- Thabit Saedi, A. (2004). *Fundamental Rights*. Tehran: Payam Noor University Publications (in Persian).
- Zafarani, Q. (2012). Getting to know the Houthi movement in Yemen. *Politics Magazine*, 110, 21-38. (in Persian)